«ملخ آبادی» با ادعای سوئیس خاورمیانه

گزارش طنز

حمیدرضا ناسخ

در نزد شیخ نشین های امارات خدمتکاران زن خانگی کلفت به حساب می آیند، الجزیره نت در گزارشی به وضعیت این زنان پرداخته و از حال و روز یک خدمتکار زن فیلیپینی به نام لیزا می نویسد: خانواده صاحب کارش او را «ابله» صدا می کردند.

مجبورش می کردند تا پاسی از شب کار کند، تا دو ساعت بعد از نیمه شب پاهای آن ها را ماساژ دهد و راس ساعت شش صبح هم صبحانه شان را آماده کند. با این وجود بعد از حدود ۶ ماه پولی هم به او پرداخت نکرده اند. لیزا زن لاغراندام ۲۶ ساله ای است که از این شرایط به تنگ آمده و به سمت کنسولگری فیلیپین فرار می کند.

ماساژ برای تسکین درد نیش ملخ ها

این سرنوشت زنی است که بسیاری از زنان رفتن به دبی را افتخار و موجب کلاس می دانند، این ها شاید غافلند که دبی چگونه دبی شد.

دبی در اصطلاح و تلفظ عرب «دبا» به معنی ملخ خوانده می شود و گویند چون قبلا ملخ های بدون بال در آن جا به وفور یافت می شده است نام این محل را دوبا گذاشتند ولی ما خارجی ها و به خصوص ایرانی ها به اشتباه با طمطراقی خاص لبان خود را غنچه می کنیم و دبی صدایش می زنیم آری در سرزمین ملخ ها یک زن آسیایی پای شهروندی از شهر ملخ ها را ماساژ می دهد. گویی این ماساژها برای تسکین درد ناشی از نیش ملخ هاست.

کار به جایی رسیده است که پاهایشان را خارجی ها ماساژ دهند و صبحانه شان را هم آنان به حلقشان واریز کنند. نمی دانم مرده شور این پاها را ببرد که چه خدمتی به بشریت کرده اند که لایق ماساژ دادن باشند، پاهایی ماساژ داده می شوند که به وسیله آن زنان نحیف ضرب و شتم می شوند و مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند، پاهایی که ولیعهد را به شن زار می کشاند تا تسویه حساب شخصی خود را با شنیع ترین شکنجه ها جبران کند.

آزار و شکنجه زنان ریشه فرهنگی دارد

در موردی دیگر نیز سال گذشته ۳ مرد اماراتی به خدمه خانگی اهل فیلیپین تجاوز کردند، سرکنسول فیلیپین می گوید: این زنان نمی دانند که به کجا می روند، گاهی اوقات زنان فیلیپینی که از دست آزار و شکنجه کارفرمایان خود به کنسولگری پناه می برند گاهی تا حدود ۳۰ نفر در یک اتاق جای داده می شوند، این جا دیگر تحرکات دیپلماتیک کارساز می شود. رایزنی ها انجام می شود و معاهدات بین المللی امضا می شود تا نهایتا منجر به تهیه بلیت بازگشت این زنان به کشورشان گردد و در مقابل این همه بی رحمی و قساوت، امیرنشین ها فقط نیششان را باز می کنند و می گویند این ها کارگر هستند.

شاید شیخ نشین های امارات به دلیل سرکوب حیثیت و شخصیت کارگران خارجی و فرار از تعهدات بین المللی است که نه قانون کار دارند و نه به کنوانسیون های بین المللی قانون کار پیوستند. عربستان سعودی نیز برادر بزرگتر اماراتی ها در برده داری نوین است. یک مددکار اجتماعی خارجی می گوید: در این جوامع به خدمه زن به عنوان پست ترین و پایین ترین کارگر نگاه می شود این رفتارها ریشه فرهنگی دارد. در کویت نیز در ماه مه گذشته ۳ پلیس به جرم تجاوز به یک زن خدمتکار که از دست کارفرمای خود فرار کرده بود زندانی شدند.فساد در امارات غوغا می کند. حکام این کشور تحت لوای استخدام کارگر زن، بسیاری از زنان زیبا را قاچاق کرده و در خانه های فساد نگهداری می کنند. زنان بسیاری از جمهوری آذربایجان تحت عنوان کاریابی مورد بهره کشی جنسی قرار گرفتند.

رسانه ها هم کلفت اند

با این همه بعضی ها تعجب می کنند و می گویند پس چرا در امارات که این همه قتل و غارت و تجاوز وجود دارد، صدایی از کسی در نمی آید؟ در پاسخ باید گفت حکام این امیرنشین ها رسانه ها را هم همانند «کلفت ها» دربست در اختیار خود قرار داده اند و اگر خبرنگاری خبر یا گزارشی را علیه اوضاع موجود، یا علیه خانواده های حکومتی و یا از قتل و غارت و تجاوز درج نماید او را از درخت آویزان می کنند. مدیران هر نشریه دست نشانده حاکم هر منطقه است و تو گویی باید صبح به صبح مدیر مسئول یک روزنامه برای دیدار خانمش و ترک محل کار از نوچه حاکم اجازه بگیرد.

به هر حال درج خبرها و گزارش هایی که خون امیران امارات را کثیف نماید تا ۴۰۰ هزار دلار جریمه در پی دارد، ولی اگر حاکم مربوطه درجه کثیفی خونش به اوج برسد و کلفت مربوطه دیرتر پاهایش را ماساژ داده باشد امکان دارد عقده هایش را سر تیتر خبر یک خبرنگار خالی کند و برای تفریح هم که شده او را به زندان انداخته و به چهارمیخش کشد و از صحنه های موجود گزارش مستند تهیه نماید تا هنگام چت کردن آن گزارش را نیز به اطلاع بروبچه های شیخ رقیب برساند.

فریاد «بلدی آی بلدی»

بدرفتاری اماراتی ها به ایرانی ها نیز سرایت کرده است، گفته می شود اگر ایرانی ها سرمایه هایشان را از امارات بازگردانند، همه این امرای هفتگانه ، به هفتاد روز سیاه خواهند نشست و بر سرشان خواهند زد و فریاد «بلدی آی بلدی» سر خواهند داد در فجیره که خیر سرشان می گویند یک امیرنشین فوق العاده مسلمان و سخت گیر است از صحنه های تجاوز به کودکان ۸ و ۱۲ ساله فیلم برداری کردند و آن ها را در بازار سیاه بسیاری از اعمال زشت به صورت محرمانه در این کشور انجام می شود و جاسوسان فلان امیر موضوع را به اطلاع آنان رسانده و امیر هم پای باربیکیو و منقل در حالی که نی ۶ متری قلیان را تا دور سرش پیچ داده و مرتبا مک می زند، دستور به ادامه ماجرا و یا تایید آن می پردازد.

چه صفایی می کند این شیخ نشین ،باورش نمی شود این جا روزی بیابان بوده است

رکود اقتصادی و کارگرانی که در دمای ۴۰ درجه آفتاب نشین شده اند

می گوید:این برج ها مال من است،به زودی در انتهای این خیابان به کمین جیب ها می نشینم

- دبی در اصطلاح و تلفظ عرب «دبا» به معنی ملخ خوانده می شود و گویند چون قبلا ملخ های بدون بال در آن جا به وفور یافت می شده است نام این محل را دوبا گذاشتند ولی ما خارجی ها و به خصوص ایرانی ها به اشتباه با طمطراقی خاص لبان خود را غنچه می کنیم و دبی صدایش می زنیم
- رفتگان را خدا بیامرزد ما باید به فکر خودمان باشیم و هنوز که سر پا و سرحالیم مسافرتمان به دبی را انجام دهیم که با سفرت آخرت تداخل پیدا نکند
- شیخ نشین ها از بوی نفت مست شدند اما چون به تن پروری عادت کرده بودند و تخصص شان به اندازه پیشینه تاریخی شان بود از دیگر کشورها مدد خواستند
- در سرزمین «دبا» (ملخ) یک آسیایی پای شهروندی از شهر ملخ ها را ماساژ می دهد گویی این ماساژها برای تسکین التهاب نیش ملخ هاست
- اگر خبرنگاری، خبر یا گزارشی را علیه اوضاع موجود یا علیه خانواده های سلطنتی و یا از قتل و غارت و تجاوز درج نماید او را از درخت آویزان می کنند
- اگر ایرانی ها سرمایه هایشان را از امارات بازگردانند همه این امرای هفتگانه به هفتاد روز سیاه خواهند نشست و بر سرشان خواهند زد و فریاد«بلدی آی بلدی» سرخواهند داد
- اگر این شکنجه کردن ها رفتار همیشگی شیخ عیسی باشد باید او را محکم با زنجیر به یکی از اسکله ها یا برج های مرتفع ببندید چرا که در غیر این صورت ممکن است فاتحه صنعت گردشگری شما را بخواند
- آن هایی که دبی رفته اند از صحنه های جالبی می گویند که تو گویی تا غروب ۴ ولیعهد و امیر در این امارات تعویض می شود

خدا بیامرز دبی را دید و مرد

در پایان مجلس ختم خدابیامرز، زن های همسایه شروع به تحسین کمالات و جمالات تازه در گذشته کردند و همدیگر را نصیحت می نمودند که این دنیا هیچ ارزشی ندارد و آدم این همه مال و منال جمع کند برای چی و برای کی، خوش به حال این خدا رحمت کرده که ناکام از دنیا نرفت، یادمان هست روزی سر کوچه وقتی از او پرسیدیم عموحالتان چطور است، گفت خدا را شکر، اما یک آرزو به دل دارم و آن هم این است که یک سفر دبی بروم و بعد بمیرم که ناکام از دنیا نروم. مرحوم از بس نیتش پاک بود، سفر خارجه هم رفت و بعد از یک هفته مرد.

خدا هیچ کس را آرزو به دل از دنیا نبرد، این مرحوم دیگر ینگه دنیا را هم دید، خوشی هایش را کرد و دست آخر هم از فرط خوشی دق کرد و مرد.

حالا هم رفتگان را خدا بیامرزد ما باید به فکر خودمان باشیم و هنوز که سر پا و سرحالیم باید مسافرت هایمان را هم برویم که با سفر آخرت تداخل پیدا نکند، راستی ثریا خانم خیلی دوست دارم با شما به این سفر میمون و مبارک بروم، هم فال است و هم تماشا، هم دبی را می بینیم و هم برای خودمان چند تا چرخ گوشت ، تعدادی ماست خوری، هفت هشت تایی رژ لب ، خط چشم و رنگ مو می آوریم، راستی کفش اسکیت های مناسبی هم آن جا پیدا می شود، هفته پیش داخل پارک زن و مرد ۵۰ ساله ای را دیدم که اسکیت سواری می کردند، گفتند از دبی آوردیم، ما چی از آن ها کم داریم، لااقل به وضع خودمان و ورزش خودمان برسیم، شرکت در مسابقات پیش کش ثریا خانم اما در جواب شراره خانم گفت، که فعلا ثریا جان پول نداریم به علاوه این که الان دنبال خانه برای اجاره هستیم چون صاحب خانه جوابمان کرده است، ثریا خانم به طور ضرب الاجل راهکار ارائه داد و پیشنهاد فروختن طلاها و یا مشارکت در صندوق پس انداز محلی برای وام گرفتن را کرد که گل از گل شراره شکفت و آن ها مصمم شدند تا راه آن خدا بیامرز را ادامه دهند.

کشوری ۳۵ ساله و این همه ادعا!

حال این کشور خارجی که این ها سفر به آن را جزو آرزوهای بلندشان برمی شمارند کجاست! امارات متحده عربی نام با مسّمایی که مشابهتش با تلفظ ایالات متحده آمریکا آدم را کمی قلقلک می دهد.

باید رفت و دید. کشوری که تنها ۳۵ سال از عمرش می گذرد، ابتدا هفت امیرنشین جداگانه بودند که سایه هم را با تیر می زدند اما انگلیسی ها آن ها را آرام کردند و زیر بال و پرشان را گرفتند و نهایتا زمانی که آفتاب سوزان ، صحراهای رملی و تپه های شنی صورت و پاهای این چشم آبی های منفعت طلب را اندکی سوزاند و از سواری کردن ها سیر شدند و بار توبره هایشان را بستند، این شیخ نشین ها همدیگر را تحمل کردند و مجموعا در سال ۱۹۷۱ کشوری کوچک در ساحل جنوبی خلیج فارس به نام امارات متحده عربی تشکیل دادند.

قبل از دهه ۱۹۵۰ و قبل از اکتشاف نفت در این دهه، این شیخ نشین ها کارشان گره زدن نخ های تورو به دام انداختن ماهی بود و این روند ادامه پیدا کرد تا این که مروارید را نیز شناختند و صید کردند اما آن چه باعث شد این شیخ نشین های پابرهنه از میان تپه های شنی به سوی سواحل زیبای خلیج فارس با سر بدوند کشف اولین چاه نفت در سال ۱۹۶۲ در ابوظبی بود.

شیخ نشین ها از بوی نفت مست شدند اما چون به تن پروری عادت کرده بودند و تخصص شان به اندازه پیشینه تاریخی شان بود، از دیگر کشورها مدد خواستند تا نفتشان را استحصال کنند تا این ها شکم هایشان را این بار نه از ماهی که از نفت فربه سازند، این سرآغازی شد تا پای متخصصان و کارگران خارجی به امارات باز شود به گونه ای که هم اکنون ۸۰ درصد جمعیت ۴/۴ میلیون نفری این کشور را اتباع خارجی تشکیل می دهند که اگر خارجی ها روزی به هر دلیلی از امارات بروند شیخ نشین ها از غصه دق خواهند کرد.

امیرنشین های بادکنکی

به هر روی صنعت نفت موجب رشد بخش مالی، تجاری و صنعت جهانگردی و ساخت و ساز در این کشور شد و پروژه های مدرن و خیره کننده آسمان خراش ها و هتل های شیک تازه واردان را مات و مبهوت کرد، از پشت این تپه های شنی امیرنشین های بادکنکی هر روز پربادتر شدند.زرق و برق های فریبنده ایجاد شده به مدد پول نفت و سرمایه خارجی ها و عمدتا ایرانی ها شیوخ امارات را وادار کرد تا قید بسیاری از تعلّقات دینی را بزنند و اجازه دهند، در قالب ایجاد فضای باز و آزاد بسیاری از اعمال انجام گیرد و بسیاری از حرام ها حلال گردد تا عقده های فروخورده این شیوخ باز شده و از تحسین دیگران بر خود ببالند و سرمست از این همه غرور به دیگران و به خصوص اتباع خارجی زور بگویند و یاد دوران برده داری آباء و اجدادشان بیفتند. شیخ نشین های امارات خود را مسلمان دوآتشه می دانند، اما این مسلمانان ناب از مسلمانی فقط نام آن را یدک کشیده و فقط ادعاهای اعتقادی آن ها گوش فلک را کر کرده است.

منطقی که سقراط را شگفت زده کرد

برده داری جنسی و جسمی در امارات متحده غوغا می کند اما شیخ نشین ها در مقابل اعتراضات کارگران و سازمان های حقوق بشر از منطق بالایی برخوردارند، منطقی که سقراط را شگفت زده کرده است، آنان می گویند ما به عنوان کارگر، خارجی ها را استخدام می کنیم و اگر از آن ها بهره گیری های دیگری می شود به ما ربطی ندارد.بیشترین تعداد کارگران خارجی در امارات را زنان تشکیل می دهند، زنانی از کشورهای عمدتا شرق آسیا نظیر فیلیپین، تایلند، اندونزی، هند، چین. اما ثروتمندان حاشیه خلیج فارس هنوز پایبند به اصالت فرهنگی خود به عصر برده داری و زنده به گور کردن دختران می اندیشند.در کویت، قطر، عربستان و امارات کارگران زن از دستمزد ناچیزی در ماه یعنی حدود ۱۶۰ دلار برخوردارند. بدرفتاری با کارگران و به خصوص زنان در سال گذشته صدای سازمان دیده بان حقوق بشر را هم درآورد.

همین شیخ عیسی برادر ولیعهد دبی که شریک تجاری اش را به گونه ای شکنجه کرد که موجب بر هم خوردن برخی معادلات بین المللی شد، ۲۵ مورد شکنجه دیگر را نیز در پرونده خود دارد. برادر دیگر همین ولیعهد در چند سال پیش قصد تجاوز به یک تاجر و تبعه خارجی را داشت ولی وقتی او راضی به انجام این کار نمی شود وی را مورد ضرب و شتم شدید قرار می دهد، ضربات محکمی بر سر و گردن او می کوبد به نحوی که طرف می گوید هنوز هم از آن شکنجه ها گیج و منگ است و

دبی دیروز و امیرنشین هایی که فراموش کرده اند کجا بودند

- ولیعهد دوست دارد در جوانی امیر شود و تاخت و تاز کند اما عزرائیل جان پدرش را نمی گیرد تا او به ریاست برسد. از این رو خودش دست به کار شده ، پدر را چاقو چاقو می کند
- برادر دیگر همین شیخ عیسی در چند سال پیش قصد تجاوز به یک تاجر و تبعه خارجی را داشت ولی وقتی او راضی به انجام این کار نمی شود وی را مورد ضرب و شتم شدید قرار می دهد، ضربات محکمی بر سر و گردن او می کوبد به نحوی که طرف می گوید هنوز هم از آن شکنجه ها گیج و منگ است
- در زندان بارهانابلسی را تهدید به تجاوز کردید، هر روز از زوایای لخت بدن او عکس یادگاری گرفتید و تهدید نمودید به زودی همسر و فرزندانش را در امارات می کشید
- حال این که چرا ولیعهد با چاقو به جان پدرش افتاده، حتما یک دلیل منطقی پشت آن است !که می گوید سر به تن پدر نباشد

می کشد. یک استاد ایرانی دانشگاه امارات در مورد بدرفتاری اماراتی ها با ایرانیان می گوید: بسیاری از اتباع ایرانی به طرق مختلف به امارات کشیده می شوند، حتی پلیس از این ها آمار دارد و بعضی از این ها در امارات کشته می شوند وجسدشان در زیر پل ها، شن زارها و در کنار ساحل و رودخانه ها و این طرف و آن طرف پیدا می شود. باید گفت اماراتی ها از کمترین نقطه ضعف خارجی حداکثر سوءاستفاده را می نمایند، آن ها دچار سادیسم تحقیر و آزار و اذیت هستند، باید با این گونه رفتارهای سادیسمی شان محکم برخورد کرد و دبی رفتن را ننگ بدانیم و امیرنشین ها را لکه ننگ در کنار خلیج فارس ، به جرات می توان گفت آلودگی وجود چنین همسایگانی برای خلیج فارس به مراتب بیشتر از آلودگی فاضلاب های صنعتی است و پدیده کشند قرمز واقعی آن هم از نوع دبانشین(ملخ نشین) خلیج فارس را تهدید می کند.

امیر پای قلیان یا دستور می دهد یا تایید می کند

حکام هفت امیرنشین امارات از همه کثافت کاری ها و اعمال ننگین شهروندان و نیروهای خود آگاهی کامل دارند.

آن ها خیلی محتاط عمل می کنند و احتیاط کاری این ها از ترس آبروریزی و نهایتا گرسنگی احتمالی است. نمی تواند کارهای خود را به درستی انجام دهد.

شیخ عیسی را با زنجیر به اسکله ببندید

این همه جنایت به دلیل سانسور خبری عجیب و غریب در امارات تاکنون مخفی مانده است و حال که بوی گند شکنجه شنیع شیخ عیسی جهان را پر کرده است وزیر کشور و دولت امارات مجبور به تایید آن و موضع گیری در برابر آن شدند. موضع وزیر کشور که برادر شیخ عیسی است جالب است: این رفتار همیشگی ایشان نیست.

جناب وزیر کشور امارات متحده عربی این پاسخ دیپلماتیک شما تمام مجامع بین المللی را قانع کرد. اگر این شکنجه کردن ها رفتار همیشگی شیخ عیسی باشد باید او را محکم با زنجیر به یکی از اسکله ها یا برج های مرتفع ببندید چرا که در غیر این صورت ممکن است مبادا که آن ها را نیز دستگیر کنید و بگویید چرا اجازه می دادید که اجداد ما یک عمر شما را بخورند.

نابلسی به جرم داشتن استامینوفن محاکمه شد

نابلسی فقط به خاطر این که تبعه آمریکا بود از مرگ نجات یافت، کارمندان سفارت آمریکا با اعمال نفوذ به دیدار او می رفتند و سرانجام با پی گیری سفارت آمریکا، وی به طور صوری محاکمه شد و به داشتن داروهای غیرمجاز بدون نسخه و احتمالا آسپرین یا استامینوفن محکوم شد.

نابلسی چند هفته قبل از دستگیر شدن به سفارت آمریکا رفت و نوار شکنجه را برای آن ها نمایش داد ولی مسئولان سفارت توصیه کردند: اگر جان خود را دوست داری دست زن و بچه ات را بگیر و هر چه سریع تر از این جا فرار کن.

یک جین آل نهیان که با هم برادرند

آمریکا نیز به خاطر بسیاری از زد و بندهایی که با شما دارد و به خاطر این که شما را به عنوان مترسک و لولو سر راه دیگران قرار دهد از رفتار شما علیه تبعه اش شکایتی ننمود.

البته همگان از نابلسی می پرسیدند چرا موضوع شکنجه و نوار را به مقام های اماراتی اطلاع ندادی، که نابلسی می گوید: همه در دولت امارات با هم برادرند، رئیس جمهور آل نهیان است ، ولیعهد آل نهیان است، وزیر خارجه وحتی وزیر کشور هم آل نهیان است.

عجب دولت برادرانه ای تشکیل داده اید، یک نفر از آل فنجان آن جا وجود ندارد. خب دموکراسی همین است دیگر، شما هر ۴ سال یکبار انتخابات برگزار می کنید و یک جین آل را هم برای ریاست دولت و وزارت خانه ها کاندیدا می نمایید، بعد حتما به نواده ها و عروس دامادهایتان می گویید بیایید در انتخابات شرکت کنید و دولت را انتخاب نمایید، هر آلی که قلدرتر بود می شود رئیس و آلچه های بعدی پست های دیگر را در این بیشه می گیرند.

در سال ۱۳۸۵ یک انتخابات صوری برای انتخاب نیمی از اعضای شورای ملی فدرال برگزار گردید، کمتر از ۷۰۰۰ رای دهنده حاکمان شما را انتخاب کردند.

انتخاب ها براساس سنت ها و مناسبات خاصی انجام شد، جالب این که این ۷ هزار نفر شرکت کننده در انتخابات را نیز خود تعیین کردید و گفتید از هر قشر نمایندگانی باید در انتخابات شرکت کنند.

مثلا پاچه خواران شیخ عیسی را به عنوان نماینده قشر جوان برای انتخابات برگزیدید و مسئولان اصطبل سلطنتی شیخ محمد را هم به نمایندگی از قشر مسن جامعه گفتید بیایند در انتخابات شرکت کنند تا چند آل را از میان آل زاده ها برگزینند.

دور تنب های ایرانی را بو می کشند

امارات شما ۷۷۷۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و در همین مساحت ۷ شیخ نمی گنجید، دائما با هم دعوا دارید و در نهایت تصمیم می گیرید به سرزمین دیگران چشم طمع بدوزید، دور تنب های ایرانی را بو می کشید و سودای زیارت ابوموسی را دارید، زهی خیال باطل! شما امیرنشین ها اگر به همسایگان تان رحم نمی کنید، لااقل به خودتان رحم کنید، طفلکی بمیرم برای خلیج فارس که دائم می بیند شما در پاورقی زندگی می کنید و صبوری می کند و دم نمی زند، چقدر این خلیج فارس در مقابل ذکر گنگ الخلیج الخلیج تان ایستاد و به حافظه از دست رفته تان خندید.

تا غروب ۴ ولیعهد عوض می شود

راستی آن هایی که دبی رفته اند از صحنه های جالبی می گویند که تو گویی تا غروب ۴ ولیعهد و امیر در این امارات تعویض می شوند(یاد هوای مشهد افتادم) پدر که حاکم باشد به پسر بزرگش می گوید آهای بن راشد آل مکتوم خیر ندیده همان آفتابه را بیاور اما بن راشد تو گویی مفاجا گرفته است؛ شاید هم قرص اکس بلعیده

شیخ عیسی شکنجه گر در حالت مستی و هشیاری

که فرمان پدر را تحویل نمی گیرد و پدر دلخور از این اقدام پسر یک تصمیم سیاسی فوری و از روی احساسات می گیرد که فاتحه اش قبلا خوانده شده است، سریعا دستور می دهد عکس آن بن راشد دیگر آن شیخ کوچولو را در خیابان ها نصب کنند و بگویند این ولیعهد است و بعدازظهر وقتی پسر بزرگ به هوش می آید می بیند با یک نافرمانی و بوالهوسی سلطنت را از دست داده است به جای یک آفتابه ۱۰ آفتابه آب برای پدر می آورد و حتی خودش را هم در مقام آفتابه قرار می دهد و عذرخواهی می نماید و این چنین می شود که بعدازظهر تصویر آن ابن کوچک از خیابان ها برچیده می شود و این ابن گنده ابقاء گردیده و می شود ولیعهد خیابان ها.

می کشمت تا من امیر شوم پدر

شبکه خبری العالم در بهمن ماه سال گذشته گزارش داد که شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، حاکم شیخ نشین دبی در پی اختلافات خانوادگی توسط پسرش که ولیعهد این شیخ نشین است مجروح شده است بعضی می گویند او پدرش را با چاقو مجروح کرده است و برخی دیگر می گویند با گلوله.

حال این که چرا ولیعهد با چاقو به جان پدرش افتاده، حتما یک دلیل منطقی پشت آن است که می گوید سر به تن پدر نباشد. براساس سنت حاکم در کشورهای عربی ولیعهدها باید پشت در انتظار چشمانشان باباغوری شود تا امیر بمیرد و سپس آن گاه آن ها به امارت و سلطنت برسند. این امیران نیز از بس نان مفت خورده و به عیش و نوش مشغولند، اصلا خبر مرگشان نمی آید و دیر می میرند، این بچه ها هم حق دارند، ولیعهد دوست دارد در جوانی امیر شود و تاخت و تاز کند اما عزرائیل جان پدرش را نمی گیرد که او به ریاست برسد. برای همین ولیعهد، امیری را در پیری همانند اسب لنگی می داند که به اسطبل تحمیل شده است از این رو نقشه در تسریع مرگ پدر می کشد و به بهانه های مختلف چاقو چاقویش می کند و نعره می زند، بمیر دیگر، چقدر ریاست؟ ما را جان به لب کردی

سوئیس یا ملخ آباد

راستی از امارات متحده عربی و به خصوص شهر دبی به عنوان «سوئیس خاورمیانه» هم یاد کرده اند، چرا که حاکمان آن تلاش دارند از وجهه به ظاهر خنثی این شهر ، حداکثر بهره برداری را بنمایند و خود را در ماجراهای سیاسی بین المللی بی طرف جلوه دهند.

همین ژست بی طرفانه حاکمان این سرزمین بعدها نشان داد که این سوئیس خاورمیانه به قتلگاه سیاستمداران تبعیدی تبدیل شده است، چرا که حاکمان آن با اندک پاداشی همین سیاستمداران را به مخالفانشان می فروشند.

باربارا سوراک خبرنگار آسوشیتدپرس در گزارشی از دبی به عنوان محلی برای حل خرده حساب های شخصیت های سیاسی جهان یاد می کند و می گوید کشور پرزرق و برق امارات متحده سال هاست که به محل مناسبی برای اختفای سیاستمداران بدنام و رهبران تبعیدی خارجی تبدیل شده است.

امارات و یک کشور دیگر از نخستین کشورهایی بودند که طالبان را به رسمیت شناختند و سیاستمدار آن یک کشور دیگر ۸ سال به صورت تبعید در این کشور اقامت داشت و در نهایت پس از سال ها تبعید در کشورش ترور شد. نخست وزیر برکنار شده تایلند نیز اوایل فروردین در دبی اقامت داشت. برخی از چچنی های طرفدار روسیه نیز در دبی اقامت داشتند که یکی از آن ها در روز روشن طبق گزارش آسوشیتدپرس در یک پارکینگ زیرزمینی به قتل رسید. سوزان تمیم خواننده ۳۰ ساله مشهور لبنانی نیز در همان مجتمعی که یک سیاستمدار چچنی اقامت داشت گلویش دریده شد که سرانجام معلوم شد یکی از نزدیکان پسر حسنی مبارک در این ماجرا دست داشته است. هنوز نیز برخی سیاستمداران پاکستانی در هتل های لوکس دبی با سران خود دیدار می کنند، اکنون هم صدای پای کودتا از پاکستان می آید و هم از امارات متحده عربی، یک منبع آگاه در امارات به نقل از شرکت EURASIA GROUP فاش کرده است که بحران اقتصادی جهان موجب کودتا در این کشور خواهد شد.باید گفت بحران اقتصادی جهان شیخ نشین ها را به تکاپو انداخته است بازارهای کساد ، فرار سرمایه ها آن ها را جان به لب ساخته و به جان هم انداخته است اما جالب این که خبری در امارات در این مورد درز نمی شود چرا؟ چون امیر امارات بخشنامه نموده و دستور داده است که اگر نشریه یا خبرنگاری درباره رکود اقتصادی چیزی بنویسد گوش هایش را می برد و می گذارد کف دستش. این ها نمایه ای از سوئیس خاورمیانه است. از دبی است که اغلب جمعیت آن را ایرانیان و هندی ها و سایر مهاجران تشکیل می دهند و اگر ایرانی ها به تنهایی سرمایه خود را از دبی خارج کنند آن گاه شاهد خواهیم بود که امرای این شیخ نشین ها به همان تپه های شنی و صحراهای بی آب و علف فرار کنند و در آن جا بزرگ ترین مسابقه رالی امیرکشی را در صحرای پر از رمل برگزار نمایند. به راستی این ملخ آباد چگونه ادعای سوئیس بودن خاورمیانه را دارد. ؟!